



ازگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

بازوی کار طبقه کارگر در خدمت اهداف انقلاب

کشاورزی و تعطیل امور عمرانی و ساختمانی که موجب بیکاری، کمبود کالاهای صنعتی، کاهش مواد غذایی و فقدان مواد خام مورد نیاز صنایع میشود، این فلج اقتصادی را تحقق بخشد. در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه هر مبارز مبین پرست، هر عنصر و سازمان آگاه و مترقی است که با تمام نیرو این نقشه دشمنان انقلاب را عقیم گذارد.

قبل از انقلاب، امپریالیسم و ارتجاع ادامه کار در رشته‌های مختلف اقتصاد و بویژه نفت را بسود خود میدانست و بدینجهت هر اعتصاب و رگم کاری را با تمام قوا سرکوب میکرد. اما علیرغم خواست امپریالیسم و ارتجاع تمام طبقات و اقشار انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر، و از جمله کارگران مبارز نفت، از حربه اعتصاب پنبانه کارگران سلاح استفاده کردند و بردشمن پیروز شدند. اکنون، در دوران پس از انقلاب، وضع بعکس است، یعنی دشمنان انقلاب در موضع تخریب و اخلال و نیروهای انقلابی در کار تثبیت و سازندگی هستند. از آنجا که ضد انقلاب خواهان اعتصاب و کم کاری و مختل ساختن اقتصاد کشور است، وظیفه نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر است که دشمن را ناکام کند و در راه بنیانگذاری یک اقتصاد مستقل و سالم از همه توان و نیروی خود استفاده نماید.

حزب توده ایران، که صدیق ترین و پیگیرترین مدافع منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران است، نمیتواند تکراری خود را ادامه اعتصابها، که به فلج اقتصاد کشور خواهد انجامید، پنهان دارد. تردید نیست که ما با همه نیروی خود از خواستههای منطقی کارگران پشتیبانی میکنیم و از دولت مصرا میخواهیم که به مطالبات مشروع، قانونی و برحق طبقه کارگر توجه عاجل مبذول دارد. دولت باید با پذیر آوردن خواستههای منطقی کارگران، با جلوگیری از خرابکاری کارفرمایان و سرمایه داران و عوامل ضد انقلاب، در راه انداختن چرخ اقتصاد کشور مجدداً بکوشد. اما همچنانکه خواستههای منطقی کارگران مورد علاقه ماست، سر نوشت انقلاب ایران نیز در مرکز توجه و علاقه قرار دارد. زیرا که بدون حفظ و تحکیم و گسترش بقیه در صفحه ۴

وزمینه را برای بهره برداری ضد انقلاب آماده میکنند. فعالیت گروههای تفرقه افکن و چپرو و چپ‌ها در میان کارگران و طرح شعارهایی بظاهر فریبا و انقلابی، این اوضاع ناپسند از ناپسندتر ساخته و موجب شده که بخشی از کارگران بدام این تبلیغات نادرست افتاده و برای اجپار دولت بقبول خواستههایی که در شرایط کنونی واقع بینانه نیست نیز از حربه اعتصاب و رگم کاری استفاده کنند.

ناید فراموش کرد که در لحظه کنونی امپریالیسم با استفاده از تمام امکانات دوزخی خود، در کمین انقلاب ماست. امپریالیسم حاضر نیست از منافع غارتگرانه و نامشروع خود در ایران، باین آسانی چشم پوشد. در شرایط کنونی، یکی از حربه‌های عمده امپریالیسم و عوامل داخلی آن، ایجاد و گسترش نارضایتی در میان مردم است، تا بتواند در لحظه مناسب نقشه‌های شیطانی خود را علیه انقلاب به صحنه آورد.

برای ایجاد نارضایتی در میان طبقات و قشرهای گوناگون مردم، ضد انقلاب، اقتصاد کشور مارا فلج می‌خواهد. او می‌خواهد با متوقف ساختن چرخ صنایع

از نظر نخست وزیر، امپریالیسم امریکا دشمن اصلی مردم ایران نیست پیرامون نطق شگفت انگیز نخست وزیر

نطقی که آقای ازبازگان، نخست وزیر دولت موقت، بمساست قیام پانزدهم خرداد، از رادیو تلویزیون ایراد داشت نطقی بود در واقع شگفت انگیز. اگر این نطق از جانب شخص غیر مسئولی ایراد شده بود، شاید بهتر میبود که آنرا بتوان بیانات غیر مسئولی تلقی میکردیم و سخنی در باره آن نمی‌گفتیم. ولی بیانات نخست وزیر قاعدتاً سخنان مسئولی است و لذا از کنار این نطق نمیتوان گذشت. در این نطق دراز، که ظاهر آهدهش تشریح مبارزات مردم ایران در راه استقلال و آزادی، از دوران تحریم تنگنابا تا امروز بوده، حتی یکبار هم کلمه امپریالیسم بکار نرفت. کلمه استمرار نیز از طرف نخست وزیر در مورد ایران، همچون عبارتی که متداول شده و صحیح نیست، بکار برده شد.

اگر از این دو نکته جالب بگذریم و نیز نظریات خاص آقای ازبازگان را نسبت به تاریخ مبارزات گذشته بیکار گذاریم، به نظریات ایشان نسبت به انقلاب کنونی ایران می‌رسیم. این نظریات بنسایت عجیب و غریب است.

ضمیمه «مردم»، مورخ ۱۲ خرداد که نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران در آن چاپ شده بود، با تازبات وسیعی در میان مردم و محافل مختلف سیاسی، که بطور جدی و با مسعولیت باوضاع ایران برخورد میکنند، پیدا کرد. بگذردیم از اینکه نسخ آن در بسیاری از نقاط بسرعت نایاب شد و علاقمندان متعددی ناچار بدینتر مرکزی «مردم» مراجعه کردند تا نامه سرگشاده را بدست آورند و بدانند که حزب توده ایران، به نیروهای علاقمند به سر نوشت و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران چه خطایی دارد و چرا لازم میداند که برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب باید معقد شد و برای پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی دست یگانگی بهم داد.

علاقم اینکه چرا بدکنیر الانشار و رساله‌های گروهی دولتی نظیر رادیو و

اعتصابات کارگری در دوران قبل از انقلاب، که نقش اساسی در شکست امپریالیسم و ارتجاع و سرنگونی رژیم خائن و جانی شاه مخلوع داشت، خود بطور طبیعی دشواریهای تازه‌ای را بر مضللات پیشین افزود، که حل منطقی آنها هم باید در برنامه کار دولت موقت باشد.

پیروزی انقلاب موجب شد که عده‌ای از سرمایه داران استعمارگر، ثروت‌های باد آورده خود را، که حاصل دسترنج زحمتکشان بود، بحسابهای بانکی خویش در اروپا و امریکا انتقال دهند و خود نیز کارخانه‌ها و موسسات صنعتی را متوقف سازند و از ترس خشم مردم بخارج بگریزند. در نتیجه میلیونها کارگر به خیابانها ریخته شدند و نرخ بیکاری به چند برابر افزایش یافت.

در دوران بعد از انقلاب، که دوران کنار و سپس سازندگی است، عده‌ای از کارفرمایان و سرمایه داران، که بنا بر ماهیت طبقاتی خود، دل بازویم گذشته دارند، بانواع کارشکنی‌ها دست زده با تعطیل و نیمه تعطیل ساختن کارخانه‌ها و اخراج فوج فوج از کارگران زحمتکش در واقع چوب لای چرخ انقلاب میکذارند

نطقی که آقای ازبازگان، نخست وزیر دولت موقت، بمساست قیام پانزدهم خرداد، از رادیو تلویزیون ایراد داشت نطقی بود در واقع شگفت انگیز. اگر این نطق از جانب شخص غیر مسئولی ایراد شده بود، شاید بهتر میبود که آنرا بتوان بیانات غیر مسئولی تلقی میکردیم و سخنی در باره آن نمی‌گفتیم. ولی بیانات نخست وزیر قاعدتاً سخنان مسئولی است و لذا از کنار این نطق نمیتوان گذشت. در این نطق دراز، که ظاهر آهدهش تشریح مبارزات مردم ایران در راه استقلال و آزادی، از دوران تحریم تنگنابا تا امروز بوده، حتی یکبار هم کلمه امپریالیسم بکار نرفت. کلمه استمرار نیز از طرف نخست وزیر در مورد ایران، همچون عبارتی که متداول شده و صحیح نیست، بکار برده شد.

اگر از این دو نکته جالب بگذریم و نیز نظریات خاص آقای ازبازگان را نسبت به تاریخ مبارزات گذشته بیکار گذاریم، به نظریات ایشان نسبت به انقلاب کنونی ایران می‌رسیم. این نظریات بنسایت عجیب و غریب است.

رویدادهای ایران

- ۱- چه کسانی و برای دفاع از منافع چه طبقاتی خواهان انحلال کمیته‌ها هستند
- ۲- خلق سلاح عمومی هنوز زود است.
- ۳- حقایق مربوط به روابط اقتصادی ایران و شوروی از زبان پروا،
- ۴- در آمل بازوینخواهان مبارزه جلاله‌ای شروع شده
- ۵- پاکسازی در دانشگاهها لازم است
- ۶- ایران کارشناس جنگ داخلی امریکا را میتوان سفیر نامید.
- ۷- ایران به به کشورهای غیر متعهد می‌پیوندد
- ۸- سفیر ایران در شوروی در تهران است
- ۹- مردم خواهان ریشه کن کردن اعتیاد در ایران هستند.

مشرح خبرها در صفحه ۴

گذران طبقه کارگر بیش از پیش دشوار است و این زحمتکش ترین و محرومترین طبقه، زیر فشار بیکاری، گرانی، کمی دستمزد پشت خم میکنند. رژیم پیشین، پنبانه خصلت ضد کارگری خود، انبوهی از مشکلات در زمینه گرانی، بیکاری، دستمزد ناگافی، نبود مسکن و غیره از خود برجای گذاشت، که انقلاب، خواه ناخواه، وارث آنهاست و باید طی زمان به حل آن اقدام کند.

رژیم استبداد سلطنتی سرنگون شده، اما پایه‌های قدرت آن، یعنی بورژوازی بزرگ وابسته و زمینداران بزرگ، با آنکه زخده پنده اند، از یاد در نیامده اند؛ بر امپریالیسم ضربه گویج کننده وارد آمده، اما هنوز از نفس لیفتاده و در کار توطئه و دسیسه و تخریب علیه انقلاب، برای تسخیر مجدد همه مواضع پیشین است.

برای احراز پیروزی کامل، انقلاب باید گام به گام راهی را پیماید که بدرهم گویدن پایه‌های قدرت رژیم پیشین و قطع نفوذ امپریالیسم متجاوز و غارتگر بینجامد، ز براتنها در صورت محو کامل مواضع اتکاء داخلی و خارجی رژیم پیشین است که میتوان به اهداف انقلاب نائل آمد. بدینجهت فریضه انقلابی تمام سازمانها و نیروهای مبارز است که مشی مبارزه خود را با هدفهای انقلاب هماهنگ سازند و تمام امکانات و تلاش خود را در مسیر پیوند آند، که انقلاب در آن باید پیش رود، هرگونه انحراف از هدف عمده، هرگونه خرده بینی و خرده گیری و ندیدن هدف اصلی، بمعنای تفرقه افکنی در میان نیروهای انقلاب است، که چه بخواهیم و چه نخواهیم، بسود ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم پشتیبان آن تمام خواهد شد و به شکست انقلاب خواهد انجامید.

در انقلاب ایران، افشار زحمتکش، یعنی کارگران، دهقانان، دانشجویان و روشنفکران مترقی و کسبه خرده‌ها، حاد علا هشیاری، جسارت و ایثار انقلابی را از خود نشان دادند و بیسای خوبی بسیار، شجره انقلاب را بارور ساختند. اکنون حق آنهاست که از ثمرات انقلاب بزرگترین بهره را داشته باشند. امام خمینی در پیام خود بمناسبت ۱۵ خرداد تاکید میکند که: انقلاب ایران، انقلاب مستضعفین بود، اقتصاد زحمتکش بود و نه کالبد کاری خود پیروزی انقلاب را تأمین کردند و بهمین علت حقوق بشر بمعنای تأمین حقوق کارگران، تأمین حقوق دهقانان و خلق زحمتکش است.

این گفته امام خمینی، که دارای محتوی عالی انقلابی و انسانی است، بار دیگر بر خصلت طبقاتی انقلاب تاکید دارد. با توجه به خصلت انقلاب، تأمین واقعی حقوق بشر در کشور ما یعنی: تأمین حق کار، حق مسکن، حق تحصیل، حق بهداشت، زندگی در خورد برای همه زحمتکشان و تأمین مشارکت فعال آنان ساز راه تأمین آزادیهای دمکراتیک در سر نوشت خود و سر نوشت کشور خویش. ایجاد میکند که منابع مادی و انسانی خود را از اسارت امپریالیسم غارتگر و کارگران یغماگران رها سازیم و بنحمت طبقات زحمتکش در آوریم. بدینسان مبارزه علیه پایگاههای اقتصادی سیاسی امپریالیسم کارگزاران آن، برای تمام عناصر و سازمانهای انقلابی اهمیت درجه اول کسب میکند.

اگر این اصل اساسی را بپذیریم، آنگاه نمیتوانو نباید به بهانه دفاع از آزادی مطبوعات، که مورد قبول همگان است، عناصر مخرب را بال و پر داد؛ نمیتوان و نباید دل بر خائنان ضد خلق سوزاند و دادگاههای انقلابی را، که از ضروریترین ارگهای انقلابند، تخطئه کرد؛ نمیتوان و نباید با اسد اران انقلاب را، که از مؤثرترین ارگانهای پاسداری از دستاوردهای انقلاب و شناسایی و سرکوب ضد انقلاب بوده‌اند و هستند، بیبانه دخالت در کار دولت زائد غیر ضرور شمرد، نمیتوان و نباید برخی نظرها و ناپسندانی هارا، که هم باز بر است و هم نتیجه خرابکاری ضد انقلاب است، بیبانه تبلیغ علیه قاطع ترین و صادق ترین رهبران انقلاب قرارداد.

به گفته امام خمینی، باید دل با مردم، یعنی خلق زحمتکش داشت. باید با شرایط دشوار کار و زندگی طبقه کارگر محروم آشنا بود، باید در حالهای بیشتر میلیونها خالوار دهقانی را شناخت، باید موضع زندگی و مسکن صدها هزار زائنه نشین اطراف شهرها را در نظر داشت، تا فهمید که مهمترین مسئله کنونی مبین ما بقاء درانی برای آزادی، که موجود است، نیست، بلکه کمک به ایجاد دگرگونی بنیادی در زندگی میلیونها زحمتکش است، که گام اول آن خلق بنیاسی و اقتصادی از امپریالیسم و پادوهای داخلی است. مردم چنین میخواهند، باید نامردم هم‌اواشد.

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران و افکار عمومی

تلویزیون، سخنی از آن بیجان نیاوردند، با این همه نامه سرگشاده، در همه محافل در مرکز و بنه‌های سیاسی قرار گرفت و پیرامون نکات مختلف آن ابراز نظر های گوناگون شد. صراحت و روشنی و قاطعیت و جس مسعولیت در برابر سر نوشت انقلاب و مشخص بودن پیشنهادها برای پروتفت، از جمله خصایص بود که بیش از همه توسط مردم، از گروههای گوناگون، در مورد این نامه سرگشاده، خاطر نشان میشد. مردم اینک دیگر عاظر کرده‌اند که در جایک و نشانات حزب توده ایران، با یک برخورد جدی و عمیق، برها لوده‌ای طبقاتی و علمی روبرو شوند و دید جامع و روشنی از اوضاع بیاوند و پاسخ بسیاری از پرسشهای خود را پیدا کنند. با اینحال چرا بازمه توجه ویژه‌ای باین سند تازه حزب مبذول شد، زیرا که این سند مهم با دیدگر تحلیللی همه جانبه از اوضاع کنونی کشور

بقیه در صفحه ۴

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

بقیه از شماره پیش گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

جنجال بر سر «هژمونی» برای خدمت به ضد انقلاب
در آرایش قوای طبقاتی، که ما فوئیسها پیشنهاد میکنیم، جای بسیار بزرگی به جنجال بر سر آنی که حضرت پسرود «هژمونی پرولتاریا» نامیده اند، داده میشود. آنان میگویند چنین وانمود سازند که گویا هوادار جدی اندیشه لنینی هژمونی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک اند و گویا اختلافی که با مشی حزب توده ایران دارند، علاوه بر سایر چیزها، از اختلاف نظر بر سر پذیرش یا عدم پذیرش هژمونی (سرکردگی) ناشی میشود. اما در واقع کلمه هژمونی، که ما فوئیسها از مارکسیسم-لنینیسم بیادیت گرفته اند، در دست آنها به دستاویزی علیه مشی درست انقلابی بدل شده است.

ابتدا ببینیم، خود آقایان «مارکسیست-لنینیست» چه میگویند؟ آقای «رزمنده» مدعی است که حزب توده ایران و «چریکهای فدائی خلق»، «طرح شماردهی پرولتاریا را به ضرر پرولتاریا و اوانمود میکنند» و گویا عقیده حزب توده ایران و «چریکها» اینست که، «مبارزان! با سرکردگی پرولتاریا نیندیشید، چرا که این باعث عدم کردن سایر اقشار میشود. بنا بکفته این پرولتاریا تنها قادر به انجام انقلاب نیست، پس اگر این شمار را دارید، دیگر با کادگان را نخته کنید، با این شمار کار انقلاب تمام و یکسر میشود. این شرط» با «معمالتی» که حزب توده با سایر اقشار و طبقات عام از خلقی ضد خلقی میکند، جورور نمیباید.

تمام کاسیکه با نوشته آقایان در کوهکهای ما فوئیسها در کار دارند، میدانند که این نوشتهها را باید ابتدا تگن داد، تا فوض و نامزد و اتهام و افتضای آن بریزد. در اینصورت معمولاً نهم نوشته فرو میریزد و احیاً یکدیگر آن باقی میماند، که عقیده واقعی ما فوئیسها در آنهم بطور غیرمستقیم منکس میکند. در مورد این جمله و مفاد آنهم، نهم نقل و نبات ما فوئیسها را که بیرون بریزید، تنها این فکریاتی میماند که، حزب توده ایران با افتقار و طبقات غیر پرولتری، چه خلقی و چه ضد خلقی، وارد «معامله» شده است و میخواند این معامله را بدون «شرط» سرکردگی پرولتاریا جوش بدهد.

نظر حزب توده ایران، که آقایان «مارکسیست-لنینیست» با چنین شوقی به آن نامزد میگویند، در برنامۀ حزب ما بشرح زیرین توضیح داده شده است، «تأسیس سرکردگی طبقه کارگر تنها بهاراده این طبقه و خواست حزب وی مربوط نیست. علاوه برهمین حزب طبقه کارگر، نیز به خود تودهها نیز شرط است تا این سرکردگی تحقق یابد. لذا درعین حال که حزب ما برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه میکند، افزا شرط وحدت عمل و اتحاد خود با دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک قرار نمیدهد.

آیا به این اندیشه واقفای ابرای ولد است، نه صدبارنه سرکردگی پرولتاریا در انقلاب، یک روند تکاملی است و نه یک شرط قدمتی و بدوی. پرولتاریا باید نقش انزهرچیز درمبارزه انقلابی شوکت کند و آنرا درصورت اصلی انقلابی سوق دهد و درجریان این نبرد انقلابی و ایبات صحت سیاست و قدرت و قاطعیت رهبری خویش، تودههای انقلابی و دمکراتیک را، با تجربه خود آنها، به قنانت خویش معتقد کند و در خود آرزود. پرولتاریا در پیروزی قطعی انقلاب ملی و دمکراتیک پیش از همه ذیعیت است و پرولتاریا از لبرال و سازشکار ذیعیت نیست. لذا هرگامی که انقلاب بسوی پیروزی قطعی برآورد، گامی است که بسوی تأمین مهر و نشان پرولتری بر آن برداشته است. لنین درودتا کتیک سوسال دمکراسی، که برخی جملات آن ناجوانمردانه مودت سوء استفاده ما فوئیسهای شرمسار از ما فوئیس قرار گرفته، درست در این باره میگوید:

«هر آینه بورژوازی موفق شود بوسیله بند و بست با تزار، انقلاب روس را عقیم گذارد، در اینصورت سوسال دمکراسی در مقابل بورژوازی ناپیکر واقفا آزادی عمل خود را از دست خواهد داد و بپسوس سوسال دمکراسی دردمکراسی بورژوازی حل میشود. بدینمنی که پرولتاریا موفق نخواهد شد مهر و نشان روشنی از خود بر انقلاب بگذارد...»

هر آینه انقلاب به پیروزی قطعی برسد - آنوقت ما طبق روش تارکوبان، یا اگر مایل باشیم، بشیوه پلجها، - حساب خود را با تزار یکسر خواهیم کرد.»

لنین اضافه میکند، «بورژوازی قادر نیست انقلاب و دمکراتیک را به پایان خود برساند ولی دهقانان استبداد این کار را دارند و ما باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کنیم.»

محتوی انقلاب ایران، که ضد امپریالیستی و دمکراتیک است، با محتوی انقلاب اول روس، که اثر لنین بدان مناسبت نوشته شده است، یکی نیست و لذا حدنها و آرایش طبقاتی دو انقلاب نیز نمیتوان یکسان باشد. ولی در آنچه مویب به هژمونی پرولتاریاست، خطسی اندیشه لنین روشن است. لنین حتی تصور برخورد مکانیکی به این مسئله را وجود داده نمیدهد. اون توضیح میدهد که:

«دومسه برای حفظ وضعیتی که به چنین وجهی بتواند امکان پیشروی انقلاب را تأمین نماید، بسیار مورد پسند ماست.»

اما برای اینکه چنین وضعیتی حفظ شود و انقلاب از آن حدیکه بورژوازی خواهان است، برای تأسیس «بایدشمارهائی را که «لا پیکر» دمکراسی بورژوازی را خنثی مینماید، بطور فعال مطرح کرد و روی آن کتیک کرد.»

«برای اینکه انقلاب دمکراتیک ما بتواند بطرز یکپارگی به پایان خود برسد، باید به نیروهای تگه نمایک که قادر باشند با این یکپارگی اجتناب ناپذیر بورژوازی درخلف نمایند.»

از این روند تکاملی است که لنین به این نتیجه درخشان میرسد که، «پرولتاریا باید با انقلاب دمکراتیک را به آخر برساند، به طریقی که توده دهقان را بخود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت مطلقه را جبراً متکوب و ناپیکری بورژوازی را طلع سازد.»

کسی که روند (پرسه) تکملی بدل شدن پرولتاریا را به سر کرده انقلاب درک نکند ، کسبک پیوند این سرکردگی را با اتحاد کارگری و دهقانان نفهد و کسبک و زنگ کند که روند سرکردگی پرولتاریا با روند پیشرفت انقلاب مربوط است ،

کمتن این چیزی از لنین نفهمیده است . اضافه کنیم که مارکس و انگلس نیز ، که بنا بکارگذاران اندیشه سرکردگی پرولتاریا هستند ، مسئله را درست همینطور فهمیده اند ، آنها درمانیست حزب کمونیست مینویسند ،

بقیه از صفحه ۱ نامه سرگشاده ...

و آرایش نیروهای طبقاتی و سیاسی بدست میدهد و به رویدادهائی که در نظر اول مهم و بی اهمیت و متناقض مینماید، بر تویی روشن میفکند و مباحث و مسمت آنها را نشان میدهد. زیرا که به بسیاری از پرنسها و مضلات کمونی بطور مبهم و مشخص و با نظریات سرچ و سرجی و منطق پستی را که از نظر حزب ما معتبر و درست است، عرضه میدارد.

از همان آغاز خواننده نامه سرگشاده، با این سوال، که اینک بسیاری گمانا خود آگاه، مطرح میکنند، پاسخ می دهند که، «آیا انقلاب امیران» تمام چیزهای برای مردم ایران با رمنسان آزرده آید استاوردی داشته؟

همه میدانند که گفته، گاه با فرض خدا انقلابی می گویند، آنچه خونها که بهدر رفته، آنچه تظاهرات و اعتراضات و زندان کشیدنها و محرومیتها به نتیجه قابل ملاحظه ای نرسیده، و با اصطلاح خودشان، حداکثر کاری که کرده است کرد، روی سلطنتی را با ضعیف منتهی موش کرده، این نه فقط یک آرزوی سرتا باقی است، از وضع گذشته و حال و یک برداشت بکلی

«دکست و حیل در راه هدفهای انقلابی و منافع عاجل طبقه کارگر مبارزه میکنند ، ولی همزمان با آن در جنبش توفانی دفاع از آینده جنبش را نیز بهمه دارند»

موجود باشد ، پشیمانی میکنند ... کویستها همهجا برای برقراری اتحاد و توافق در میان اجزای دمکرات همه کشورها جهد میورزند ... چنانکه میبینیم، همارکن نه انگلس و نه لنین هرگز سرکردگی پرولتاریا را به «شرط» بی ربط و مسترهای که باید از ابتدا در برابر سایر نیروها گذاشت بدل نکرده اند .

دانشان اینکه چگونه بورژوازی لبرال دست از لبرال شدن بر میدارد و مورد تنقذ آقایان «مارکسیست - لنینیست» قرار میگردد، بجای خود بماند. فعلا سخن بر سر چیز دیگری است که حضرت، «هژمونی» پرولتاریا نامیده اند. این هژمونی پرولتاریا به این معناست که بورژوازی لبرال رهبری طبقه کارگری را پذیرد ؟ و آیا راه تأمین هژمونی اینست که به بورژوازی اولتیماتوم بدهیم که ، ابرهبری را بپذیرد و یا خلق نابودت میکند ؟

این طرز تأمین هژمونی، از طبقه کدام عطار بر بیرون آمده است؟ در کجای مارکسیسم - لنینیسم این مسخرگیها را میتوان یافت نظر آقایان «مارکسیست- لنینیست» بجای مارکسیسم، از داستان موش و گربه عبید زاکا فیض گرفته اند، آنچه که شاموشان به سرگشته میماند، که

«یا بیا پایتخت در خدمت یا که آماده باش جنگنا»

در مورد امید شاموشان ، که گربه در خدمت آید و نقش رهبری» ایشان را بپذیرد ، خود داستان عمو گویاست. و مانند تاهر پرولتری هم که بخوهد بورژوازی دست از شکر سارش بر دارد و به خدمت در آید ، همان نتیجه را خواهد گرفت. ولی اگر دهقان و خرچده بورژوازی اولتیماتوم شاد را نپذیرد فتنه چه عکس العملی نشان خواهد داد؟ سیامقدهای ما فوئیسها به این پرسش پاسخ مستقیم نکرده اند. فقط تومیس میکنند که باید به دهقانان بارها و بارها توضیح داد که باید با کارگران اتحاد کنند ، به همه هدفهای خود خواهند رسید .

باید با خرچده بورژوازی شهر نیز مانند دهقانان رفتار کرد، « ملاحظه میکنید که سخن از شرکت در مبارزه مشترک، قبل از اینکه دهقانان رهبری کارگران را بپذیرفته باشند و حمایت از جنبش دهقانی و نبرد انقلابی طبقات ضد امپریالیستی نیست . سخن از توپا است . حال آمدیم دهقانان و خرچده بورژوازی این توضیح را نپذیردند ، و یا تا وقتی که نپذیرفته اند ، چه باید کرد ؟

پاسخی که ما فوئیسها در حیل و نمونه انقلاب ایران به این پرسش میدهند، اینست که باید با بورژوازی لبرال علیه آنها متحد شد ؟ آنچه جنجال بر سر هژمونی پرولتاریا ، بدین اثر کوهی که ساها باردار بود ، موش میزاید ، به نوشته های خود ما فوئیسها حرام چه کنیم .

ادامه دارد

- ۱- جزا ... ، ص ۱۷
- ۲- منتخبات ، ترجمه فارسی، جلد اول قسمت دوم ص ۶۳
- ۳- همان اثر ص ۱۲۱
- ۴- همان اثر ص ۳۳
- ۵- همان اثر ص ۲۴
- ۶- همان اثر ص ۱۲۲
- ۷- همان جا

- ۱- ما نیستیم حزب کمونیست ، از انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۴
- ۲- فدراده جمهوری دمکراتیک خلق، ص ۲۲ (تکیه زاماست)
- ۱۰- همان جزوه ، ص ۲۰

و شاید هم دستاوردهای آنرا بر باد دهد. پس تکیه دامه سرگشاده، بر این لکتند و ضرورت تمین دشمن عمده کمالاتیست. در شرایطی که هر روز مسئله های ساز میشود و رویدادی انتظار را بخود متوجه میسازد و از است و چه، انواع استاوریها میماند میاید، ضرورت حیاتی دارد که بدانم در واقع خطی از کجا متوجهات و ادامه انقلاب ماست، سر نوشت انقلاب ما از کجا و به چه وسیله و از چه راهی تهدید میشود و چرا باید دست علیه این دشمن اصلی و نه دشمنان ساخته فکر و ذهن و تصورات خود یادشتمان غیر عمد، و یا مغلطان فرعی قیام و مبارزه کرد. با نشان دادن دشمن عمده باید امکان مانسور کردن، فعالیت، ضرب بکری و ضرر بزدن با انقلاب را از آن سلب کنیم ، و این همان کاری است که خراب توده ایران آنرا توصیه میکند و در برنامه سرگشاده خود تصریح میکند که این دشمن عمده چه منافعی حیساتی اقتصادی و استراتژیکی در ایران داشته و بزرگ همارکتون چه پایگایها غیر مومندی در زمینه انرژی، آب و هوا، کشاورزی، صنایع مختلف امپریالیسم را نیز بر ما میدهد و از این جهت، از انتظار پنهان بماند، از زیر ضرب نیروهای مردمی بکسر رود، امکان یابد که بتوطئه و تحسیر یک دست یازد، روشهای او، مستحقانه در میان همه نبردهائی که در مرحله اول انقلاب بر سر دست داشته، اکنون بر خورد یکسانی برسد نمیشود. جدا کردن حساب خود از حساب انقلاب، لایه بندی و حتی تبری جستن از انقلاب و ابراز شیمانی نیز بدی میشود. پس بی پایه نیست که «نامه سر گشاده» توجه را بوجود سه گرایش و جهت گیری اساسی در سیاست ایران جلب میکند، که شناخت آنها دهن بردن به سیاست و روش مبارزه آنها، بی ابراز یک آنچه در ذهن ما میگذرد و موشکیری شخصیتها و گروههای مختلف کاملاً لازم است.

و بالاخره مطلب بسیار مهم دیگر اینست، که در لفظه تندی کتور ما با مشکلات بسیار فراوان و متنوع در پنج زمینه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و امنیتی و ملی و دینوی است که حل آنها در دستور روز است و بر سر آنها باید جمهوری را احلایا انقلابی ریشه ای، علمی و قاطعیت پیدا کرد و توده مردم را در اینجهت بسیج کرد و بهمان آنگاه میدان نبرد انقلابی ما اینک سیمانی تازه یافته، و اگر ما این مشکلات را از بین نبریم، انقلاب مادر خطر خواهد بود. همین امروز مهورحیاتی هستند، منهدی از بین تمام آنها، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کمونی ما، مشکل اقتصادی است. در این باره میگویند، «مشکل اقتصادی سرگشته، گران، نژادگرا و ندردیچی چرخها، همه در اینجا چهره مینمایند و بیشترین ناراضیها ما نیز از همین جاسر چشمه میگرد و بزرگترین خرابکاریها و توطئه های ضد انقلابی نیز در همین جاشکل مینماید.

در نامه سرگشاده، بهمین جهت پیشترین جا به تشریح و توضیح آن اختصاص داده شده و گفته اند، منهدی که باید در هر زمینه اتحاد شود و چنان شکنجه و متغلی، همگره و سیاسی واجتماعی در این زمینهها دارد، با دقت و بهسراحت یاد آوری شده است.

سر نوشت انقلاب ایران به سر انجام حل این مشکل اقتصادی، و ابستکی کامل و همه جانبه دارد. مستقیم که باید توجه اساسی به پیدا کردن راه حل عقلانی و علمی، برپایه منافع معین ما و همه زحمتکشان در این زمینه مملوق شود. دلیل کشایک به هدای حزب ما پاسخ گفتند، همه در یک مسئله اساسی اتفاق نظر داشتند: امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی است؛ این دشمن بیکار نشسته و مدارت تحریک میکند و توطئه میچیند و باید بیدار و هشیار بود. لیه نیز حمله مملطه را به هرگز و نیز بونی، که هنوز همیضان به امر انقلاب مؤمنان که کاین و خواستار پیشبرد آن به سود زحمتکشان و مهین ما است، بگذارند و نام سرگشاده با توجه لازم و باحس مسئولیت انقلابی برخورد نماید تا راه برای حل همه مشکلات، که چیزی جز تشغیض دشمن عمده و تشکیل جبهه متحدی از تمام نیروهای انقلابی، به امپریالیسمی، و دمکراتیک و خلقی بر ضد این دشمن نیست، هموار گردد.

پرسشها و پاسخها

درباره سازماندهی روز اعتراض ضد امریکائی در تهران و جزئیات مربوط به آن نامه های فراوان دریافت کرده ایم و چندین نفر نیز زنگ زده با تلفن نظریات خود را گفته اند . ایرادها ، انتقادات ، پیشنهادها و پرسشها مذکور نمودن نشان میدهد که توجه اندازده دوستان ما با وقت ، مراقب کار حزب خودشان ، حزب توده ایران هستند و حاضر نیستند هیچ خطا یا سهل انگاری یا سازماندهی ناکافی یا حتی بی حوصلگی و بروز بیجایی خشم را ببخشند . این بسیار مثبت است . با اینکه نوشته یخساز از دوستان در این ماههای آغازین انقلاب و استراتژیکی در ایران داشته و بزرگ همارکتون چه پایگایها غیر مومندی در زمینه انرژی، آب و هوا، کشاورزی، صنایع مختلف امپریالیسم را نیز بر ما میدهد و از این جهت، از انتظار پنهان بماند، از زیر ضرب نیروهای مردمی بکسر رود، امکان یابد که بتوطئه و تحسیر یک دست یازد، روشهای او، مستحقانه در میان همه نبردهائی که در مرحله اول انقلاب بر سر دست داشته، اکنون بر خورد یکسانی برسد نمیشود. جدا کردن حساب خود از حساب انقلاب، لایه بندی و حتی تبری جستن از انقلاب و ابراز شیمانی نیز بدی میشود. پس بی پایه نیست که «نامه سر گشاده» توجه را بوجود سه گرایش و جهت گیری اساسی در سیاست ایران جلب میکند، که شناخت آنها دهن بردن به سیاست و روش مبارزه آنها، بی ابراز یک آنچه در ذهن ما میگذرد و موشکیری شخصیتها و گروههای مختلف کاملاً لازم است.

روزی نامه پرواده، ارکان حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن افتخار مجدد مداخلات دولت پاکستان در امور داخلی افغانستان، در این مورد به آن دولت اعتراض کردند. پرواده به دولت پاکستان هشدار داد که اتحاد شوروی به شماره تجاوز با کستان به حرم حاکمیت افغانستان و نفوذ گروههای مسلح پاکستانی به خاک آن کشور و کوشش پاکستان در راه ایجاد جبهه در منطقه نمی تواند ایسی تفاوت بر باند . پرواده یاد آور شد که این مداخلات در ترکیه و یونان در پی اتحاد شوروی انجام می گهرد و تجاوز علیه کشوری است که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد.

روزی نامه ارکان حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد که راهزنان و تروریستهای که به اسارت گرفته شده اند، اعتراف کرده اند که مستشاران پاکستانی و چینی در تشکیل دسته های مهاجم علیه افغانستان مشارکت دارند. پرواده سپس تأکید ورزید که محافل امپریالیستی این تحریکات راهله افغانستان تدارک دیده اند و هدف آنها این است که بهر قیمتی که باشد میان افغانستان و پاکستان درگیری ایجاد کنند.

کلمت به فلسطینیها، علی رغم اعتراض امریکا و انگلیس (در اوتکتاد)

مجمع عمومی و پنجمین کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد تصویب کرد که اجلاس آینده این کنفرانس (در سال ۱۹۸۳) در کوبا تشکیل شود. تفکاز دو نکته در بساره اجلاس اخیر واجد اهمیت است، نخست آنکه نمایندگان کشورهای سرمایه داری غرب زیر فشار ۱۱۹ کشور در حال رشد (کروه ۷۷) قرار گرفته اند که به پشت پرده کتور گزادی یکساره در باره نظام اقتصادی جدید، بین المللی، سخت معترض هستند. دیگر آنکه هیئت های شرکت کنند در این کنفرانس، علی رغم اعتراض امریکا و اسرائیل، تصمیم گرفتند که کتجه های خود را به سازمان آزادیبخش فلسطین وسایر جنبشهای آزادیبخش جهان (از جمله سازمان خلق آفریقای جنوبی- سواپو- و سازمان چریکهای ناسیونالیست روزیای) افزایش دهند.

این تصمیم با وجود هشدار که نماینده امریکا تحت عنوان «زبان نبخش بودن این اقدام برای استقرار صلح در خاورمیانه» داده، از طرف کنفرانس اتخاذ شد.

بهران در جهان غرب

تصمیم امریکا در باره کمک مالی به واردات نفت این کشور، بر سست وحدت اختلافات میان امریکا از یک طرف و ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک انزومی دیگر افزوده است.

دولت امریکا اعلام کرده که وارد کنندگان نفت از قرار هر بشکه ۵ دلار کمک مالی دریافت خواهند کرد. کارش این تصمیم را اتفاق کرده است تا ورود نفت کافی را بنظور بر کردن مجدد انبارهای سوخت امریکا تشویق کند.

رویدادهای جهان

مصیبتش از پیش برای ایفای نقش ژاندارمی آماده می شود
مقامات امریکا اعلام کردند که این کشور آماده است تا ماه اکتبر حدود ۱۲ فروند جت فانوم به مس تحویل دهد تا قدرت نظامی سادات تقویت شود. شانزده خلبان مصری در این هفته برای آموزش کار با این فانومها به سان- آنتونیو، واقع در تگزاس، می روند. مقامات امریکایی، که سعی در اختفای نام خود داشتند، متذکر شدند که این فانومها از جمله اعتبار یک میلیاردر و پانصد میلیون دلاری امریکا، که از طرف کنگره این کشور تصویب شده، به مس تحویل داده می شود.

در همین مورد آشوبه پرن گزارش داد که مجلس نمایندگان امریکا لایحه کمک چهار میلیاردر و هفتصد میلیون دلاری این کشور را به سادات و بگون، ۳۴۷ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف تصویب کرد. این خود فروشی سادات با تازهای بهی در داخل مصر و در جهان عرب داشته است که پروژهای آبادی گسترده می یابد.

یاس عرفات ، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مصاحبه ای با هفته نامه «الجواند»، چاپ لبنان، اعلام کرد که کتجات سادات به منافع و مصالح کشورهای عربی و فلسطین، شکلی عمیق میان رژیم وی و جنبش مقاومت فلسطین پدید آورده است.

عرفات پیشنهاد امریکا را در این مورد که رژیم مصر از طرف اعصاب فلسطین با اسرائیل کتف و کتد، مردود اعلام کرد و گفت سادات حق ندارد در باره سر نوشت بیت المقدس تصمیم اتخاذ کند. ابوعمار سپس تجاوز اسرائیل را به لبنان محکوم کرد و تأکید ورزید که این اقدامات تجاوز کارانه قسمی از توطئه کاتر- سادات و بگون است که بر مبنای آن نقش ژاندارمی خاورمیانه بر رژیمهای مصر و اسرائیل نقشش شده است.

توطئه چینیهای چین و پاکستان علیه افغانستان

روزی نامه پرواده، ارکان حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن افتخار مجدد مداخلات دولت پاکستان در امور داخلی افغانستان، در این مورد به آن دولت اعتراض کردند. پرواده به دولت پاکستان هشدار داد که اتحاد شوروی به شماره تجاوز با کستان به حرم حاکمیت افغانستان و نفوذ گروههای مسلح پاکستانی به خاک آن کشور و کوشش پاکستان در راه ایجاد جبهه در منطقه نمی تواند ایسی تفاوت بر باند . پرواده یاد آور شد که این مداخلات در ترکیه و یونان در پی اتحاد شوروی انجام می گهرد و تجاوز علیه کشوری است که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد.

روزی نامه ارکان حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد که راهزنان و تروریستهای که به اسارت گرفته شده اند، اعتراف کرده اند که مستشاران پاکستانی و چینی در تشکیل دسته های مهاجم علیه افغانستان مشارکت دارند. پرواده سپس تأکید ورزید که محافل امپریالیستی این تحریکات راهله افغانستان تدارک دیده اند و هدف آنها این است که بهر قیمتی که باشد میان افغانستان و پاکستان درگیری ایجاد کنند.

مجمع عمومی و پنجمین کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد تصویب کرد که اجلاس آینده این کنفرانس (در سال ۱۹۸۳) در کوبا تشکیل شود. تفکاز دو نکته در بساره اجلاس اخیر واجد اهمیت است، نخست آنکه نمایندگان کشورهای سرمایه داری غرب زیر فشار ۱۱۹ کشور در حال رشد (کروه ۷۷) قرار گرفته اند که به پشت پرده کتور گزادی یکساره در باره نظام اقتصادی جدید، بین المللی، سخت معترض هستند. دیگر آنکه هیئت های شرکت کنند در این کنفرانس، علی رغم اعتراض امریکا و اسرائیل، تصمیم گرفتند که کتجه های خود را به سازمان آزادیبخش فلسطین وسایر جنبشهای آزادیبخش جهان (از جمله سازمان خلق آفریقای جنوبی- سواپو- و سازمان چریکهای ناسیونالیست روزیای) افزایش دهند.

این تصمیم با وجود هشدار که نماینده امریکا تحت عنوان «زبان نبخش بودن این اقدام برای استقرار صلح در خاورمیانه» داده، از طرف کنفرانس اتخاذ شد.

بقیه از صفحه ۱ همبستگی با مردم عراق

یک جوان مبارز عضو حزب کمونیست عراق در استان ایبار راه عمدا ژیس اوتوبیل گرفته کشتند، این شهید دفع بدیوی نام دارد. در شهر نجف، هدای کتجه جاسوسی نگیند، فتنه انگیزی نکند و غیبت روا مداریدنه بازداشت شد. نزدیکان این روحانی نیز از سر نوشت در اطلاع می دارند.

در روز ۱۲ آوریل، هنگامیکه برق فرست استفاده کرده در تاریکی شمار- محکم نظامی محکوم بمرگ شده است. در منطقه کرد نشین نیز همیشها به شهر کوی سنق یورش برده، ۵۰ نفر را دستگیر کرده اند، که از ایشان نیز همیگونه غیری نیست. در استان نینوا، ۱۸ تن از چاه آرموزان مدرسه ناصریه، و تنهاییان در این راه راضی نشدند وارد حزب بشت عراق شوند، در تاریخ ۲۸

مقامات ژاپنی اعلام کردند که این اقدام امریکا احتمالاً کتبات قیمت نفت را از میان خواهد برد. از طرف دیگر کمیسر انرژی بازار مشترک این تصمیم امریکا را خودخواهانه توصیف کرد و آن را مانع با تصمیم اخیر کشورهای صنعتی درباره کاهش مصرف نفت خواند.

خوابی که صهیونیسم برای خاور میانه دیده است

آریل شارون ، وزیر کشاورزی اسرائیل ، خواستار آن شد که در خلال بیست تا سی سال آینده ، در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه آبادیهای یهودی نشین تأسیس شود ، وی که در پارلمان اسرائیل سخن می گفت ، تصریح کرد که بر اساس طرحی که تنظیم کرده است تعداد مهاجر نشینهای یهودی در ناحیه هر جمعیت عرب نشین شمال ساحل غربی رود اردن سرتا فزونی خواهد یافت . شارون صراحتاً اعلام کرد که بیست و پنج آبادی یهودی نشین کمونی در دره رود اردن بر اساس طرح پیشنهادی وی ، به دو برابر افزایش خواهد یافت .

تفیش و نقش حمایتگر امریکا

یاس عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که اسرائیل در تجاوز مداوم خود به جنوب لبنان ، به امریکا و شخص جیمی کارتر مستطهر است. رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین همچنین گفت ، خصمان اخیر کارتر در مخالفت با تأسیس یک دولت فلسطین مستقماً با تجاوز اسرائیل به لبنان و علیه جنبش مقاومت فلسطین ارتباط دارد . ابوعمار تأکید ورزید که تحولات اخیر اثبات می کند که یک طرح مشترک امپریالیستی - صهیونیستی برای اشغال جنوب لبنان و قلع و قمع جنبش مقاومت فلسطین از طرف اسرائیل ، وجود دارد .

کشتار در لبنان و شکایت در سازمان ملل ادامه دارد

توپخانه اسرائیل مواضع دهقانان فلسطین را در جنوب لبنان گلوه باران کرد. مقامات لبنانی اعلام کردند که برای این تپه اندازنها پنج نفر به قتل رسیدند و هدهای زخمی شدند . فواد بطرس ، وزیر امور خارجه لبنان ، اعلام کرد که به نماینده این کشور در سازمان ملل متحد دستور داده است که تشکیل اجلاس شورای امنیت را برای رسیدگی بوضع مستطهر آمین ناشی از تجاوزات روزانه اسرائیل تقاضا کند . در این مهان مسیحان راستگرایی مسلح لبنان نیز از همدستی با جناحیات اسرائیل در قتل نوزدیدند ، و سپس از آتش کتاهی که در جنوب این کشور برقرار شده بود ، شهر حسیبه را زیر آتش توپخانه خود گرفتند که صدمات جانی و مالی بیار آورد .

بقیه از صفحه ۱ به تیرگی کشاندن ...

افغانستان ویدئبال آن پیروزی انقلاب در ایران، به مقیاس منطقه و جهانی لطمه وارد آمده است. همین محافل هستند که کوشش دارند رویدادهای افغانستان را بصورت عصیان عمومی خلق علیه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان جلوه دهند ایران، برهبری اسام خبثی، درست درصت دفاع وقامین حقوق و آزادی و منافع توسعه های زخمکش، یعنی افغانستان را تقویت نمایند . بنا به گزارش خبرگزاریها، در پی اعلام غفو عمومی ازجانب دولت جمهوری مردم افغانستان دارای دشمنان مشترک است، یعنی گروهها و طبقات مستمر، که در نتیجه تبلیغات بس این مردم حکومت استبدادی خود را تسلط کرده بودند وارتجاع و امپریالیسم جهانی، که پشتیبانی این حکومتها بوده است، در میان ما و افغانستان که هر دو بنوع زحمتکشان پیروز گردیده و از سوی دشمن مشترک، یعنی ضد انقلاب داخلی دهر کشور و امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در معرض تهدید و خطر اند، ایجاد میکنند که بجای ایجاد تیرگی و سوءفهم در روابط میان دو کشور و خلقهای آنان، به برقراری روابط نزدیک دوستانه، حسن همجواری و پشتیبانی متقابل میان آنها مساعدت شود.

به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان تنها به سود محافل است که منافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها، در نتیجه پیروزی انقلاب در

ملاحظات چند درباره تاریخ انقلاب مشروطیت ایران

همه این اخبار نشان میدهد که بهسبب استبداد خشن، روز بروز در کشور راه خطرناک و بی سرانجام، هر چه زودی قطع شود و محافل و سازمانها و احزاب شرقی ضد امپریالیستی و دمکراتیک عراق بتوانند در عمل و صادقانه زبان مشترکی پیدا کنند و در راه استقلال و برآمدن مین خود و آزادی و بهروزی مردم عراق و بهسود اس صلح و امنیت در منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

همه این اخبار نشان میدهد که بهسبب استبداد خشن، روز بروز در کشور راه خطرناک و بی سرانجام، هر چه زودی قطع شود و محافل و سازمانها و احزاب شرقی ضد امپریالیستی و دمکراتیک عراق بتوانند در عمل و صادقانه زبان مشترکی پیدا کنند و در راه استقلال و برآمدن مین خود و آزادی و بهروزی مردم عراق و بهسود اس صلح و امنیت در منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

همه این اخبار نشان میدهد که بهسبب استبداد خشن، روز بروز در کشور راه خطرناک و بی سرانجام، هر چه زودی قطع شود و محافل و سازمانها و احزاب شرقی ضد امپریالیستی و دمکراتیک عراق بتوانند در عمل و صادقانه زبان مشترکی پیدا کنند و در راه استقلال و برآمدن مین خود و آزادی و بهروزی مردم عراق و بهسود اس صلح و امنیت در منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

از ضد انقلاب خرنده تا ضد انقلاب خشن

ضد انقلاب هنوز آن قدرت را نیافته که یکباره قدرت حاکم را تصرف کند ولی این اختیوس هشتپا، که هرپایش هزار تیش میکند دارد، لحظه به لحظه به پیش میخزد تا سرانجام بتواند طعمه خود را ایران مارا- دوباره در حلقه چنگهای مرگبار خود بفشرد.

ضد انقلاب اصطلاحی بی محتوی نیست، واژه‌ای با مفهوم و معنای مشخص است. ضد انقلاب، یعنی امپریالیسم (بویژه امپریالیسم امریکاموسیویونیسم) و ارتجاع داخلی وابسته بدانها با عوامل و کارگزارانشان.

ضد انقلاب با واژگون شدن رژیم پهلوی پایگاه سلطه و عملیاتی بسیار مهمی را در کشور ما و در منطقه از دست داده ولی مواضع و مسائل مهم دیگری را هنوز در دست دارد.

ضد انقلاب برای خریدن به پیش نه فقط از دشواریهای بهره‌گیری میکند که بعد از هرنقلابی، از جمله انقلاب ما، طبعاً پدید میآید، بلکه با تکیه همان مواضع و بکمی همان وسائلی که در دست دارد، به پیش میخزد و راه را برای پیشرفت سریعتر خود استوار و هموارتر میکند.

ضد انقلاب تصور کند که هدف انقلاب ایران فقط دبرچیدن سلسله دیکتاتوری بود و تا این آزادپها و السلامه (بویژه آن کتدکه دیکتاتوری فقط سدی بود که برداشتن آن برای انجام انقلاب ضد امپریالیستی، که محتوی اصلی انقلاب ایران است، لازم بود، اگر کسی انقلاب را در مرحله کنونی تمام شده بداند، بزرگترین و خطرناکترین اشتباهات را مرتکب شده است. دیکتاتوری شاه مخلوع وسیله اسارت ملی ما توسط امپریالیسم بود، برچیدن آن شکستن سد برای مردم امپریالیسم است.

مواضع و وسائلی که هنوز در دست امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان باقی مانده، هم در زمینه نحوه تفکر و عادت در قشر باصلاح متوسط (و عادت خود نیرو است)، هم در زمینه اقتصادی (ساختار اقتصادی وابسته تقریباً دست نخورده باقی مانده) هم در زمینه سیاسی و نظامی است. ماهوز قراردادها و پرشمار تحمیلی با امپریالیستها و درراس آنها امپریالیست های امریکائی را لئو نکرده ایم، حتی قراردادی نظیر قرارداد درجانبه نظامی با امریکا را که بی کم و کاست سند اسارت ملی است.

سبب عمده این وضع، که خریدن ضد انقلاب را در راه «دلائی ممکن گردانیده بی پرده باید گفت - روش بورژوازی لیبرال ایران است که انقلاب را تا همین جا نمیآید، انقلاب را تمام شده می داند، خواستار تمام قدرت حاکم به خاطر اینستکه، همه چیز را بصورت سابق منهای استبداد، «سروسامان» دهد، در نظر نمایندگان این طبقه حتی دیگر «مستضعفین» هم این طبقه ندارند و این واژه را باید بدور انداخت. اصولاً حتی «طبقه» در ایران، که فقط در حال حاضر بلکه هیچگاه در تاریخ دوران طاغوت ها نیز وجود نداشته است، باین دلیل که «حاج میرزا آقاسی، که به جسد اعظمی ناصرالدین شاه رسید، جلودار قاطر زن ناصرالدین شاه بوده یا لعلجب ا با این منقو ازین دیدگاه، نه فقط در ایران و حتی در دوران ناصرالدین شاه و رضاشاه و محمدرضاشاه، بلکه در هیچ کجا، از جمله مثلا در امریکا، این طبقات وجود نداشته و ندارند، زیرا که جبرالد فورد نیز که بریاست جمهوری رسید، مثلا «بوکسور» و «فوتبالیست» بود و کارگر بدام زمنی، میکاشته است ا

به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان، به نفع انقلاب ایران نیست

مردم کشور همجوار ما افغانستان با مردم مین ما، طی قرون و اعصار سر- نوشت تقریباً یکسانی داشته اند و همواره از تعدیات و تجاوزات استعمارگران و استثمارگران خارجی و بیعدالتی و ستم حکومتی ضد خلقی در رنج و عذاب و محروم از حقوق و آزادیهای دموکراتیک بوده اند.

مردم افغانستان نیز در راه کسب استقلال و برانداختن سلطه استعمار خارجی و بدست آوردن آزادی و استقرار نظامی مردمی و عادلانه در مین خویش، راه پریشیب و فراز مبارزه‌ای دشوار را پیموده و در این راه قربانیهای فراوان داده اند. مبارزات مردم این سرزمین علیه امپریالیسم و حکومتیهای جبار و ضد خلقی سرانجام با انقلاب دلیرانه ارتشیان مین پرست و با شرکت و پشتیبانی همه طبقات زحمتکش، بر رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به پیروزی انجامید و به نظام فرتوت ضد خلقی و ستمگر در این کشور پایان داد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، در همان نخستین اعلامیه‌های خود پس از پیروزی انقلاب، برابری حقوق و آزادی همه خلقهای ساکن در این کشور را، بدون وابستگی به تعلقات ملی و مذهبی اعلام داشت و سیاست خارجی خود را بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستی و همکاری با کشورهای همجوار و بیطرفی و عدم شرکت در پیمانهای نظامی، حمایت و پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی خلقها بنا نهاد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، طی یکسالگی که از پیروزی انقلاب میگذرد در زمینه بازسازی زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور و احیاء و تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک همه اقشار زحمتکش کشور گامهای موثری برداشته است. طبیعی است که این اقدامات و بویژه اصلاحات ارضی و کشاورزی نفع توده‌های وسیع دهقانان بی زمین و کم زمین، که هدف ریشه کن کردن نظام فئودالی و ختی ماقبل فئودالی در روستاهای افغانستان است، حس خصوصیت و کین توزی ایلخانان و فئودالها و دیگر طبقات ستمگر، که سالیان دراز زالوار ازین توده‌های مستمید خن مکیده اند، بر میانگیزد. محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی، که بنا به سرشت ضد خلقی خود دشمن سوگند خورده هرنقلاب و تحول نفع توده‌های زحمتکش و دول مستقل ملی هستند، به پشتیبانی و تحریک نیروها و عناصر ضد انقلاب و ضد مردمی بر میخیزند و بارهای مدافع «حقوق بشر» و یا زیرناوین مختلف دیگر، به توطئه و خرابکاری علیه انقلاب دست میزنند.

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

انقلاب ایران دادنیال کرده اند، به مبارزه کنونی شما، که هدفش تحکیم پیروزیهای انقلاب ایران و راندن آن به پیش و ازین بردن مشکلاتی است که انقلاب با آن روبرو است، و همچنین تحکیم دوستی ایران با جنبش آزادیبخش عرب و جنبشهای آزادیبخش در سراسر جهان و نیز پشتیبانی از جنبش مقاومت فلسطین و تحکیم دوستی با همسایه ایران، اتحاد جماهیر شوروی است، با دیده تحسین میشکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه پشتیبانی شما را از رهبری آیت الله خمینی و کوشش شما برای همکاری با نیروهای مذهبی و نیروهای چپ و مترقی دیگر، بمنظور تأمین دورنمای دموکراتیک برای جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون اساسی جدید بر پایه ضد امپریالیستی، دموکراتیک و ترقیخواهانه و بسود توده‌ها و خلقها، شادباش میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه از کوششهای شما برای پایان دادن به ترورهای خونین که بوسیله امپریالیسم و ارتجاع و بدست بقایای ارگانهای جنایتکار ساواک صورت میگردد، تقدیس میکند.

ما برای مردم شجاع ایران و نیروهای پیشرو و طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در شهر و روستا، تحکیم جمهوری نوآباد و حرکت آنرا در راه پیروزیهای عظیم تر در تمام زمینه‌ها، آرزو میکنیم.

ما برای شما پیروزیهای بازم بشع و گسترده‌تری را در مبارزه بیدریغ شما در راه هدفهای مردم ایران، در راه آزادی، دموکراسی، پیشرفت و سوسیالیسم آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه دبر کل، خالد بکدش

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بنام کمیته‌های سوریه و دوستان آنها و بنام تمام کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی سوریه شما، و بوسیله شما بنام اعضای حزب شما، گرمترین درودهای پیکار جویانه و رفیقانه را بمناسبت پیروزی انقلاب ایران و بازگشت حزب شما به مبارزه علنی و انتشار ارگان مرکزی شما «مردم» تقدیم مینماید.

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، با ازین بردن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، با وارد آوردن ضربت به نفوذ امپریالیسم امریکا، ازین بردن با یکاها های نظامی آمریکا، رهایی ایران از پیروی سیاسی و نظامی از آمریکا و آزاد کردن قروتهای نفتی ایران از تسلط انحصارات نفتی جهانی به پیروزی بزرگی نائل آمده است.

ایران در نتیجه این انقلاب از پیمان امپریالیستی ستر خارجه شده، روابط خود را با اسرائیل و رژیم جنایتکار سادات قطع کرده، سازمان آزادیبخش فلسطین را بر سمیت شناخته و پشتیبانی خود را از نبرد اعراب علیه اشغال اراضی آنها توسط اسرائیل و مبارزه ملتها علیه امپریالیسم اعلام کرده است.

در انقلاب ایران، که رهبری آن از جانب پیشوای ملی آیت الله خمینی انجام گرفته است، گسترده ترین قشرهای مردم ایران، کارگران، کشاورزان، دانشجویان، روشنفکران، ارتشیان و بازرگانان شرکت کرده اند. این انقلاب نتیجه مبارزات طولانی و دشواری است که مبارزان ملی ایران طی دهها سال انجام داده اند.

حزب شما نقش مؤثری در مجموع این مبارزه ایفا کرده است. حزب توده ایران، طی دهها سال، علیه استبداد سلطنتی، علیه تسلط امپریالیسم، برای دموکراسی و مصالح مردم مبارزه کرده و در این راه شهادت بسیاری داده است. بسیاری از اعضای این حزب به زندانها افتاده و سالهای دراز را در آنجا گذرانده اند. همین دلیل حزب توده ایران مورد احترام و محبت مردم ایران و توده‌های زحمتکش قرار گرفته است.

از کمکهای رفقا و دوستان	سپاسگزاریم	ریال
گروه مردم	۴۴۴	۵۰۰۰۰
شماره	۲۲۲	۱۰۰۰
د	۲۱۹	۲۰۰۰
د	۲۲۲	۱۰۰۰
د	۲۱۸	۱۰۰۰
د	۲۲۰	۱۵۰۰
د	۲۱۷	۲۰۰۰
د	۲۱۹	۲۰۰۰
د	۶۳۷	۲۰۰۰
راه آهن	۱۲۷	۱۰۰۰
خانم الف	۲۲۰۰۰	۲۲۰۰۰
کارمندان ویرایش دانشگاه آزاد	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
مجموع	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰

همبستگی با مردم عراق، که زیر بار ظلم و زورگویی نمیروند

محافل خاصی که میکوشند چپه ضد امپریالیستی مردم عراق را به سوسپله که شده، تخریب کنند، با انحصار سلطه و تعصب کور، آزادی را از مردم سلب می کنند و بانواع جنایات متوسل میشوند. بنا باخبر منتشره توسط «جنبش مبارزه بر ضد ترور و برای آزادیهای دموکراتیک مردم عراق» که مرکزش در رم (ایتالیا) است، در همین هفته‌های اخیر نمونه‌های تکان دهنده‌ای از اعمال فشارها و ترورها روی داده، که نمیتواند خشم و نفرت همه آزادپخواهان و محافل ضد امپریالیست جهان را بر نیانگیزد. مثلا در کابلین، کنار دجله، چند جوان الکتری، که علائم شکنجه روی پیشکش مشاهده میشد، پیدا شده. وی در بصره دانشجو بود، ولی چون از همکاری با حزب بعث سر باز زد، به کابلین تبعید شده بود. کاتلم جوده فوج دشتبان، به اتهام توهین به حزب بعث عراق، دستگیر و بچهار سال زندان محکوم شده است. در شهر یقوبیه، باقر ششاه، کارمند دامپزشکی، توسط عمال سازمان امنیت عراق دستگیر شده و تاکنون از وی خبری نیست. همچنین رفیق سلام الناصری، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و عضو هیئت تحریریه روزنامه طریق الشعب، و رفیق محمد کریم فتح‌الله، عضو هیئت

مخالفان و ستمگران و ستمگوان این بورژوازی لیبرال- چون از پشت عینک منافع تنک طبقاتی خویش پارضاغ مینگردند، نمیتوانند ویا نمیخواهند ببینند که، اگر ضد انقلاب بتواند مجددا قدرت حاکم را بچنگ آورد، بهاینان نیز امانی نخواهد داد. ایشان گردش تاریخ را بسیار دیده اند، ولی گوئی هیچ چیز نیاموخته اند. اینان خود را یاران و طرفداران دکتر مصدق می دانند، ولی لحظه‌ای تأمل نمیکند که چرا و چگونه حکومت دکتر مصدق ساقط شد و با ایشان همین آقایان هوادار دکتر مصدق چگونه رفتار شد.

انقلاب، اگر بخواییم که شکست نخورد، باید در راه هدف اصلی خود، که ضد امپریالیستی است پیش برود. اقتصاد کشور باید از زیر سلطه و نفوذ و رسوخ سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی یک ملتی و چند ملیتی پدراپد، قرارداد های تحمیلی اقتصادی و سیاسی - نظامی با امپریالیسم لئو گردند، تمام دستگاه عظیم اداری، که بهنگام رژیم شاه مخلوع برای خدمت به امپریالیسم و ارتجاع وابسته سازمان یافته بود، از بنیاد نو سازی شود، شهرپانی و ژاندارمری بصورت پاسداران نظم و امنیت بسود خلق تحول یابند، ارتش از ریشه به یک ارتش ملی و دموکراتیک بدل گردد.

خلاصه باید حرکت بسوی تأمین استقلال کامل کشور در تمام زمینه‌های اقتصادی، مالی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره، نه فقط متوقف نشود بلکه همواره با پیشگیری و قاطعیت بیشتر، تا رسیدن به هدف نهائی، ادامه یابد و چون این حرکت انقلابی در حال حاضر به رکود کشانده شده، ضد انقلاب از تمام اهرمهایی که در دست دارد، استفاده کرده و میکند و به پیش میخزد.

اگر راه بر ضد انقلاب خرنده بسته نشود، دیری نخواهد گذشت که ما با ضد انقلاب خشن روبرو خواهیم شد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق